

نقش غلات در تخریب چهره شیعه

زهرا رضازاده عسگری*

چکیده

از فرقه‌هایی که در کتب ملل و نحل اغلب به شیعه منتسب شده، غلات آن دکه در ای عقاید دغلوآمیز نسبت به ائمه علیهم‌السلام بوده و به همین رو مورد تکفیر و بیزاری آن بزرگواران قرار گرفته‌اند غلات در حوزه‌های مختلف تاریخ شیعه تأثیر نهاده و عقاید شیعه را تحریف کرده و سبب انزوای مکتب تشیع و جلوگیری از گسترش آن شده‌اند

در این پژوهش مسوولدی چون تأثیر غلات در تخریب وجهت ائمه علیهم‌السلام و اصحاب ایشان و اثرگذاریشان در از همیشه تحریف قرآن و جعل احادیث و نیز تأثیر در برخی علوم اسلامی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

غلات، غلو، جعل، بیت، تحریف قرآن، اباحی‌گری

asgariza@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۰/۷/۹

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۹۰/۳/۱۱

طرح مسئله

شیعه همواره در طول تاریخ مورد تهاجم فرهنگی دشمنان خود قرار گرفته است. آنان با نیتساب عقاید لحرافی و خرافی به شیعه درصدد خدشه‌دار نمودن چهره تشیع بوده و با دستاویز قراردادن برخی از عقاید فرقه‌های لحرافی از جمله غلات، از شیعه و عقاید آن بیزاری جستند. ائمه علیهم‌السلام همواره با این عقاید و توطئه‌های دشمنان مبارزه نموده و مکتب خویش را از آنان جدا ساخته‌اند. از سویی ائمه علیهم‌السلام، اصحاب و دانشمندان شیعه در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام نیز در رد غلات، آثاری نگاشته‌اند (اغلب با عناوینی همچون *الرد علی الغلاة*) که اکنون به صورت مستقل اثری از آنها یافت نمی‌شود.

فرقه‌های غلات و عقاید آنان در کتب فرقه‌شناسی و کتب رجالی آمده است؛ مانند *فرق الشیعه نوبختی و المقالات و الفرق سعد بن عبدالله اشعری*. از کتب اهل سنت نیز می‌توان به *الفرق بین الفرق بغدادی و الملک و النحل شهرستانی* اشاره نمود. رجال کشی نیز نمونه کتب رجالی است که به این مسئله پرداخته است. در اغلب این آثار تنها درباره غلات و فرقه‌ها و عقاید آنان سخن رفته است که بسیاری از موارد آن نیز درست نیست. اخیراً نیز کتب و مقالاتی در زمینه غلات به چاپ رسیده که هریک از دیدگاه خاصی بدان نگریسته‌اند. از آن جمله، مقاله «غلات و تدبیریه تحریف قرآن» نگارش محمد حسن احمدی و مقاله «غلو» اثر نعمت‌الله صفری است که در مقاله اخیر، نگارنده به تقسیم‌بندی و مقیاس‌های تشخیص غلو و بررسی زمینه‌های آن درباره امام علی علیه‌السلام پرداخته است.^۱

در پژوهش حاضر، به غلات و نقش اموی‌ها و عباسی‌ها در پیدایش آن و همچنین به نقش آنان در تخریب چهره تشیع و تحریف عقاید شیعه در حوزهای مختلف پرداخته شده و از سویی موضع‌گیری ائمه علیهم‌السلام در برابر آنها نیز بررسی شده است. این در حالی است که در مقالات دیگر

۱. بنگرید به: صفری، «غلو و غالیان در عصر حضور در آینه منابع»، *طلوع*، سال دوم، شماره ششم، تابستان ۱۳۸۲.

معمولاً از جنبه خاصی بدان توجه شده و به تفصیل نیز بدان نپرداخته‌اند. از سوی دیگر، چون معلمان شیعه (مؤلفان و هابی‌ها) عقاید لحرافی غلات را دستاویز خود قرار داده و به شیعه نسبت می‌دهند، لزوم نگارش پژوهش‌ها و مقالات بیشتری در این زمینه ضرورت می‌یابد. در این پژوهش نقش غلات در عصر حضور ائمه علیهم‌السلام و دوران غیبت صغری - که غالبان ظهور بیشتری داشتند - بررسی می‌گردد، بی‌آنکه به فرقه‌های غالی - که در دوران‌های بعد پدید آمدند - پرداخته شود.

معنای غلو

غلو به معنای افراط، ارتفاع، بالا رفتن و تجاوز از حد و مرز و حدود است؛ چنان‌که به چیزی که قیمت آن از حد معمول نیز بالاتر رود، «غال» یعنی «گران» می‌گویند.^۱ در علم ملل و نحل (فرقه‌شناسی) تعریف دقیقی از این واژه به دست نداده و تنها به ذکر مصدایق پرداخته‌اند. اما در هر حال آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: فرقه‌هایی از شیعه که به خدایی ائمه خود یا حلول روح خدایی در آنان اعتقاد دارند.^۲ شهرستانی می‌گوید:

غلات یکی از ائمه را به خدا تشبیه کرده و گاه خدا را به خلق تشبیه کرده و مانند دیهود و نصارا و قائلین به تناسخ به تجسیم خداوند قائل شده‌اند. عقاید غلات چهل چیز است: تشبیه، بلاء، رجعت و تناسخ، و هر کدام در هر شهری که هستند لقی دارند.^۳

اگر واژه غلات بدون قرینه به کار رود، منظور فرقه‌های منتسب به شیعه است، اما در طول تاریخ اسلام گروه‌هایی بوده‌اند که عقاید غلوآمیز داشته و شیعه نبوده‌اند؛ مانند آنان که به خدایی

۱. راغب اصفهانی، *المفردات فی غریب القرآن*، ص ۳۶۵؛ *المعجم الوسیط*، ص ۶۹۰.

۲. شهرستانی، *الملل و النحل*، ج ۱، ص ۱۷۶ و ۱۷۷. نیز بنگرید به: دهخدا، *لغتنامه*، ذیل «غلاة»، ص ۱۶۷۷۲.

۳. شهرستانی، *الملل و النحل*، ج ۱، ص ۱۷۶ و ۱۷۷.

برخی از خلفای عباسی (مثلند منصور) معتقد بوده‌اند که بدلها «غلات عباسیه» می‌گویند^۱

پیدایش جریان غلو

کشی در رجال خود روایاتی از امام چهارم تا امام ششم نقل کرده که عبدالله بن سبأ بنیذگر غلات است. او می‌گوید:

برخی از لاهل تاریخ گفته‌اند که عبدالله بن سبأ شخصی یهودی بود که به اسلام گرایید و از دوست بلران علی بن ابیطالب^ع گردید اما همان‌گونه که او در دوران یهودیت خود در باره یوشع بن نون عقیده‌ای غلوآمیز داشت، پس از اعتقاد به اسلام نیز در مورد علی^ع دچار غلو و افراط گشت.^۲

اما برخی دانشمندان بر این باورند که فرقه‌های نامقبولی را که به شیعه نسبت داده‌اند، هیچ‌یک واقعی نیست؛ به‌ویژه فرقه «سبائیه» که منتسب به عبدالله بن سبأست و او نیز وجود خارجی نداشته و روایات در مورد وی از رجال کشی به کتب رجال دیگر راه یافته است. بنابراین روایات کشی از نظر متن و سند خدشه‌دار است.^۳ عبدالله بن سبأ اسطوره‌ای تاریخی است که برخی از داستان‌سرایان مثلند سیف بن عمر آن را ساخته‌اند و طبری بدون تحقیق آن را نقل کرده و دیگران نیز از او برگرفته‌اند.^۴

بنابراین در زمان امام علی^ع فرقه «سبائیه» وجود نداشته و به همین رو پیدایش غالی‌گری را نمی‌توان به عبدالله بن سبأ نسبت داد، هر چند در زمان امام علی^ع غلو وجود داشته است؛ چنان‌که آن حضرت می‌فرماید: «هلک فی رجلاں: محب غال و

۱. اشعری، المقالات و الفرق، ص ۶۹.
۲. طوسی، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ص ۱۰۶ و ۱۰۷، ش ۱۷۴ - ۱۷۰؛ نوبختی، فرق الشیعة، ص ۲۴ و ۲۵.
۳. عسکری، عبدالله بن سبأ و أساطیر اخري، ج ۲، ص ۱۲۳ - ۱۱۷؛ ابوریه، الاضواء علی السنة المحمدیه، ص ۷۹.
۴. عسکری، عبدالله بن سبأ و اساطیر اخري، ج ۲، ص ۱۹ - ۱۶.

مبغض قال؛^۱ دو تن درباره من به هلاکت رسیدند: دوست افراطکننده و دشمنی که بیهوده سخن گوید» در واقع برخی از مردم با دیدن کراماتی از ائمه علیهم السلام، به ایشان صفاتی فرابشری را نسبت داده‌اند که در برخی روایات بدان اشاره شده است.^۲

با بررسی کتب ملل و نحل می‌توان دریافت که غلات به صورت فرقه‌هایی منسجم پس از شهادت امام حسین علیه السلام و قیام مختار برای خون‌خواهی آن حضرت شکل گرفتند.^۳ مختار از سوی دشمنانش که امویان و زبیریان و اشراف کوفه بودند، مورد تهاجم تبلیغاتی وسیعی قرار گرفت. آنان با تبلیغات سوء، او را کذاب، ساحر و مدعی نبوت خواندند و با عقاید غلوآمیز معرفی‌اش کردند. آنان فرقه‌هایی مانند کیسئیه و مختاریه را بلو نسبت دادند تا قیام آنان را سرکوب و حکومت خود را توجیه کنند. روحانیون دربار اموی و جاعلان حدیث نیز بر این تهمت‌ها صحه نهاده و این مطالب را در کتابهای رجالی اهل سنت آورده‌اند.^۴

برخی منشأ ساختن فرقه‌های غلات را عباسیان دانسته، اساس تشکیل حکومت عباسیان را نیز از کیسئیه می‌دانند؛^۵ زیرا کیسئیه امامت را پس از محمد حنفیه در فرزند او ابوهاشم دانستند و درمورد آن دو غلو کردند و آنها را امام قرار دادند. نیز مدعی شدند ابوهاشم در منزل محمد بن علی بن عبدالله بن عباس او را وصی خود قرار داده و به همین طیل محمد بن علی، امام است. این غلات و گزافه‌گویان، «راوندیه» نام دارند.^۶ سپس از این فرقه، فرقه‌های غلات دیگری پدید آمد.^۷ بنابراین منشأ ساختن فرقه‌های غالی، عباسیان بودند نه شیعیان.

۱. نهج البلاغه، حکمت ۱۱۷ و ۴۶۹.

۲. بنگرید به: مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۵، ص ۲۷۱.

۳. بنگرید به: نوبختی، فرق الشیعه، ص ۲۵، ۲۶ و ۲۹.

۴. بنگرید به: رضوی اردکابی، قیام مختار ابن ابی عبید ثقفی، ص ۷۳ و ۱۰۳ - ۹۸.

۵. همان، ص ۹۸.

۶. بنگرید به: نوبختی، فرق الشیعه، ص ۳۵ - ۲۹.

۷. بنگرید به: همان، ص ۴۶ - ۳۵.

شهرستانی غالیاں را به ده گروه تقسیم کرده و عقاید آنان را بازگفته است.^۱ وی آرای فاسدی ملند تشبیه در مورد خداوند را به اصحاب ائمه علیهم السلام نسبت داده است. بی‌گمان نسبت دادن عقاید خرافاتی و غلوآمیز به ایشان برای ترور شخصیت آنان است.^۲

بسیاری از کتب ملل و نحل، فرقه‌هایی از غلات را به اصحاب ائمه علیهم السلام نسبت داده‌اند. در این آثار فرقه‌های غلات و فرق دیگری برای شیعه برشمرده‌اند که در شمارش آنها نیز اتفاق نظر وجود ندارد. این کتب برای ائتساب این فرقه‌ها به شیعه هیچ سند معتبری نیز به دست ندادند.^۳ بسیاری از این فرقه‌ها یا اصولاً وجود نداشته و یا از بین رفته‌اند. حال ممکن است پرسیده شود مأخذ اطلاعات کتب ملل و نحل کدام است^۴ و چرا در این کتب بیشترین فرقه‌های اسلامی از جمله غلات را به شیعه نسبت داده‌اند؟

حقیقت این است که برخی از این غلات واقعیت تاریخی داشته‌اند، اما آنها با کارهای اشتباه خود، نه تنها شیعه ائمه علیهم السلام نبوده‌اند، بلکه در حقیقت دشمنی بوده‌اند که در چهره شیعه خود را جا زده تا عقاید و معارف اهل بیت را هدف قرار دهند و جاهت اهل بیت را تخریب نمایند. البته اینان موفقیت‌هایی نیز یافتند، اما عملکرد ائمه علیهم السلام نیز بسیاری از توطئه‌های ایشان را خنثی کرد.

برخی از این غلات ملند ابوالخطاب، مغیره و بیان بن سمان، برای رسیدن به مطامع دیوی بانسبت دادن الوهیت و نبوت به ائمه علیهم السلام خود را به‌عنوان امام و یا وصی از طرف ایشان معرفی می‌کردند^۵ تا از محبت مردم بدلها در جهت اهداف خود استفاده کنند. آنان

۱. بنگرید به: شهرستانی، *الملل و النحل*، ج ۱، ص ۱۹۰-۱۷۴.

۲. سبجی، *کلیات فی علم الرجال*، ص ۳۵۶ و ۳۵۷.

۳. برای آگاهی از فرقه‌های شیعه بنگرید به: اشعری، *المقالات و الفرق*؛ نویختی، *فرق الشیعه*؛ بغدادی، *الفرق بین الفرق*؛ شهرستانی، *الملل و النحل*، ج ۱، ص ۲۰۱-۱۴۴؛ دهخدا، *لغتنامه*، ص ۱۶۵۶۹-۱۶۵۶۷؛ مشکور، *تاریخ شیعه و*

فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم هجری، ص ۲۳۴-۱۴۲.

۴. عسکری، *عبدالله بن سبأ و اساطیر آخری*، ج ۲، ص ۱۷۲.

۵. بنگرید به: نویختی، *فرق الشیعه*، ص ۴۲ و ۴۳.

می‌پنداشتند که هرچه ادعایشان بزرگتر باشد، پیروان بیشتری نیز خواهند یافت.^۱

برخی غلات با تبلیغ اباحه‌گری، خود را از هر قید و بند ره‌نمایدند و خود را به‌عنوان وصی ائمه معرفی کردند تا اعمال خود را توجیه نمایند. بدین ترتیب، فرقه‌های غلات با غرض‌ورزی‌های مختلف پدید آمده است و از همین رو نباید سرچشمه غلو را عقاید شیعه بدانیم، بلکه این غلات بودند که با تحریف برخی عقاید شیعه و جعل احادیث و دروغ بستن به ائمه علیهم‌السلام بر آن بودند تا چهره شیعه را تخریب کنند. در این پژوهش، به برخی از عملکردهای غلات و آثار آن پرداخته می‌شود.

تخریب شخصیت ائمه علیهم‌السلام

غلات با دروغ بستن به اهل بیت علیهم‌السلام و منتسب کردن خود و عقاید لحرافی‌شان به آنها، سبب ایجاد کینه و دشمنی مردم نسبت به آنان شدند و بدین‌سان لزوی مکتب تشیع را رقم زدند. این مسئله موجب سوءاستفاده برخی مخالفان شیعه شد و از سویی حربه‌ای گردید برای تبلیغات سوء علیه شیعه و جلوگیری از نشر مبدئی تشیع؛ چنان‌که ابوحنیفه از بیان حدیث غدیر امتناع می‌ورزید و می‌گفت: «به اصحابم گفته‌ام که جریان غدیر خم را نقل نکنند» هیشم بن حبیب صیرفی در این باره از او می‌پرسد که آیا حدیث غدیر خم برای تو روایت نشده است؟ ابوحنیفه پاسخ می‌دهد: این حدیث برایم روایت شده و نزد من ثابت است؛ اما از آنجا که عده‌ای از مردم اهل غلو شده‌اند، دستور داده‌ام که این حدیث را نقل نکنند.^۲

برخی نیز بر آن بودند که همین مسئله سبب شده است بخاری در کتاب صحیح خود، از ابوهریره - که به حدیث‌سازی مشهور است - روایت نقل کند، اما از امامان شیعه علیهم‌السلام هیچ روایتی را نیاورد.^۳ برخی علما اهل سنت بین غلات و ائمه شیعه تفاوتی ننهادند؛ چنان‌که یکی از نویسندگان معاصر

۱. بنگرید به: ولوی، تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، ص ۱۲۲.

۲. صلوٰق، الأمالی، ص ۲۶ و ۲۷.

۳. بنگرید به: حسنی، دراسات فی الکافی للکلینی و الصحیح للبخاری، ص ۹، ۲۳، ۱۶۴ و ۱۶۵.

اهل سنت به نام عبدالسلام رستم نیز در کتاب خود، آل‌البیت را از غلات به‌شمار می‌آورد.^۱
 عملکرد غلات سبب گردید تبلیغات منفی علیه ائمه علیهم‌السلام صورت گیرد و وجهه آنان تخریب گردد. بحیی بن عبدالحمید الحمذی در اثبات امامت امیرالمؤمنین علیه‌السلام می‌نویسد:

روزی به «شریک» گفتم: چگونه است که بعضی از مردم می‌گویند «احادیث جعفر بن محمد علیه‌السلام ضعیف است؟ شریک در پاسخ گفت: «جعفر بن محمد انسانی صالح، مسلمان و پرهیزگار بود، اما عده‌ای از مردم جلهل دور او را گرفته و نزد او رفت‌وآمد می‌کردند و احادیث ساختگی را که حاوی مطالب منکر و باطل بود، به‌دروغ از قول او نقل می‌کردند تا بدین‌وسیله از مردم ائتراق کنند و دره‌های آنان را بگیرند؛ لذا هر منکری را به او نسبت داده‌اند من برخی از این احادیث را از مردم عوام شنیده‌ام که برخی از ایشان به‌واسطه آن به‌هلاکت افتاده و برخی دیگر این احادیث را رد کرده‌اند برخی از اینها مانند مفضل بن عمر و بیان و عمرو نبطی و غیر اینها می‌گفتند که «جعفر در حیثی که از طریق پدوش از جیش نقل کرده، به ایشان گفته است: معرفت و شناختن امام از نماز و روزه کفایت می‌کند و نیز گفته است که «علی در ابرهاست و با باد پرواز می‌کند و بعد از مرگ نیز سخن می‌گوید و هتنگلی که در محل غسل، او را غسل می‌داند حرکت می‌کرده است»، یا از او روایت می‌کردند که امام، خدایند آسمان و زمین است. پس بدین ترتیب آن جلهلان گمراه برای خدا شریک قرار دادند آنگاه شریک می‌گوید: «به خدا سوگند که جعفر هیچ‌یک از این سخنان را نگفته است! جعفر علیه‌السلام پرهیزگار تر و باور عتر از آن بود که چنین سخنانی بگوید و مردم سخنان او را بشنوند! او آنگاه او را در حیث ضعیف شمرند اگر من جعفر علیه‌السلام را می‌دیدم، بهیقین می‌دانستم که او در میان مردم یگانه و بی‌نظیر است.^۲

غلات افزون بر عقایدی مانند الوهیت امام، تشبیه، رجعت و تناسخ، بر علم غیب مطلق در مورد امامان و تولدایی ایشان در تقسیم روزی‌ها و تعیین اجل بندگان تأکید می‌کردند تا با

۱. صفری، *غالیان*، ص ۳۳.
 ۲. طوسی، *اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*، ص ۳۳۴ و ۳۲۵، ش ۵۸۸.

نفی جنبه بشری ائمه، این شبهه را در اذهان پدید آورد که با وجود این تولدایی‌ها در ائمه علیهم‌السلام چرا آنها مدح رسیدن ضرر به خود نمی‌شود و مصائبی را متحمل می‌شوند. درحقیقت هدفشان این بود که بدین‌سان در امامت ایشان تردید افکنند از این سو، ائمه علیهم‌السلام نیز عقاید آنها را انکار می‌نمودند و بر جنبه بشری خود، نفی علم مطلق در مورد خویش، عدم قدرت بر دفع ضرر و جلب نفع برای خود (به غیر از رحمت الهی) تأکید می‌ورزیدند.^۱

ابوبصیر می‌گوید:

به ابوعبیدالله امام صادق علیه‌السلام گفتم: غلات مطالبی در باره شما می‌گویند فرمود: چه می‌گویند؟ گفتم: آنها می‌گویند شما تعداد قطرات بلران، عدد ستارگان و برگ درختان و وزن موجودات در دریا و تعداد سنگ‌ها را می‌دانید امام علیه‌السلام دست‌ها را به آسمان برد و فرمود: «سبحان الله سبحان الله! نه به خدا جز خدا کسی به این امر آگاه نیست!»^۲

غلات تکالیف شرعی مانند نماز و روزه و حج را به صورت سمبلیک تفسیر نموده، برای آنها واقعیاتی قائل نبوده و می‌گفتند معرفت یا محبت امام علیه‌السلام از انجام تکالیف کفایت می‌کند.^۳ بدین ترتیب، آنان اباحه‌گری را در پیش گرفتند و بسیاری از مفاسد را انجام می‌دادند.^۴ آنها از راه ترویج اباحی‌گری طرفداران بیشتری از مردم بی‌بندوبار را جذب نمودند، درحالی‌که بی‌دینی خود را نیز توجیه می‌کردند.^۵

اقدامات ائمه علیهم‌السلام در مبارزه با غلات

ائمه علیهم‌السلام برای مبارزه با غلات، شیعیان را به دوری از آنها به تقوا و ورع توصیه می‌فرمودند؛

۱. همان، ص ۲۲۵، ش ۴۰۳.
۲. همان، ص ۲۹۹، ش ۵۳۲.
۳. بهودی، معرفه الحدیث، ص ۶۷.
۴. نوبختی، فرق الشیعه، ص ۷۴.
۵. بنگرید به: صفری، غالیان، ص ۳۰۱ - ۲۹۲.

چنان که مفضل بن عمر می‌گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌گفت: از افراد پست دوری گزین؛ زیرا شیعه جعفر کسی است که درای عفت باشد و تلاش و عملش را برای خالقش افزون کند و به ثواب او امید و از عقاب او ترس داشته باشد^۱

در احادیث فراوانی ائمه علیهم السلام برای شیعه انجام واجبات و دوری از محرّمات را ذکر کرده و از آنان خواسته‌اند آن‌گونه عمل کنند که باعث زینت و سرفرازی ائمه خود باشند.^۲ امام صادق علیه السلام در لحظات آخر عمر خود مهم‌ترین سفارشی که به اطرافیان خود کرد، این بود: «کسی که نماز را سبک بشمارد، به شفاعت ما اهل بیت نخواهد رسید».^۳

بدین ترتیب این احادیث توطئه دشمنان شیعه را خنثی کرد، گرچه در زمان حاضر نیز هنوز مخالفان شیعه (ملئند وهابی‌ها) مسئله شفاعت در شیعه را جوازی برای انجام گناهان دانسته‌اند، اما با بررسی روایات ائمه علیهم السلام درمی‌یابیم که آنان با سفارش اکید بر تقوا و ورع و انجام طاعت خداوند، بدین شبهات پاسخ داده‌اند.

ائمه علیهم السلام از سوی دیگر به معرفی شخصیت غلات نیز پرداخته و شیعیان را به پرهیز از معاشرت با آنها سفارش نموده‌اند. امام صادق علیه السلام در حدیثی به مفضل می‌فرماید:

ای مفضل! با غلات نشست و برخاست مکن؛ با آنان غذا مخور؛ با آنان دست دوستی مهیید و از آنان حدیثی نگرفته و حدیثی هم نهیید^۴

همچنین ائمه علیهم السلام غلات را آشکارا نفرین کرده و برائت و بیزاری خود را از آنان اظهار نموده‌اند؛ چنان که امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

۱. طوسی، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ص ۳۰۶، ش ۵۵۲ و ۵۵۳.
۲. بنگرید به: محمدی ری‌شهری، میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۴۱.
۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۴۶۹.
۴. طوسی، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ص ۲۹۷، ش ۵۲۵.

خدا، ابوالخطاب را لعنت کند و لعنت کند کسی را که با او کشته شد و لعنت کند کسی را که از آنان باقی ماند و لعنت کند کسی را که در قلبش محبتی به آنان داشته باشد^۱

این واکنش ائمه^{علیهم السلام} در برابر غلات، پس از ناامیدی از هدایت آنها و برای پرهیز دادن شیعیان از هرگونه ارتباط و دوستی با آنان است.

تخریب شخصیت اصحاب ائمه^{علیهم السلام}

در بسیاری از کتب ملل و نحل فرقه‌هایی از غلات را به اصحاب بزرگ و مورد وثوق اهل بیت^{علیهم السلام} نسبت داده‌اند. این فرقه‌های ساختگی به بزرگزی چون زراره، هشام بن حکم و یونس بن عبدالرحمن و متکلمی از اصحاب ائمه^{علیهم السلام} نسبت داده شده است. اینان کسلی بودند که با اصحاب فرقه‌های دیگر به مناظره می‌پرداختند و از عقاید و معارف شیعه در برابر شبهات پاسداری می‌کردند. از این رو، نسبت دادن عقاید فرقه‌های لحرافی به ایشان دروغی بزرگ است تا هم شخصیت آنها - به‌عنوان پاسداران ولایت - و هم چهره اهل بیت^{علیهم السلام} را مخلوش نمایند.

یکی از این افراد، زراره بن أعین تمیمی است که فرقه‌هایی لحرافی با نام‌های زراریه و تمیمیه را به او نسبت داده‌اند؛ حال آنکه رجال‌شناسان شیعه او را موثق می‌شمارند. کشتی درباره او می‌گوید:

فقیه‌ترین اصحاب امام باقر و امام صادق^{علیهم السلام} شش نفر هستند که در آن میان، زراره از همه آنها فقیه‌تر است.^۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. همان، ص ۲۹۵، ش ۵۲۱.

۲. خوبی، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۷، ص ۲۱۸ و ۲۱۹.

امام صادق علیه السلام درباره او فرمود: «اگر زراره نبود، احتمال داشت احادیث پدرم از بین برود».^۱
امام علیه السلام در روایتی دیگر در تفسیر «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ * أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ»^۲ ابوصیر، محمد بن مسلم و زراره را از مصابیح این آیه شمرده است.^۳
دیگری هشام بن حکم از اصحاب امام صادق و امام کاظم علیهما السلام است. او متکلمی بسیار توانا بود که کسی در علم کلام، یارای مناظره با او را نداشت. بسیاری از بحث‌های او حول محور امامت بود که با متقن‌ترین براهین، امامت را اثبات کرد و در این راه بزرگ‌ترین متکلمان غیرشیعه را شکست داد.^۴ برای مثال وی در مناظره با متکلم بزرگ اهل سنت، عمرو بن عبید لزوم نظارت و رهبری امام را همچون نظارت قلب انسان بر سایر اعضا ثابت کرد و بدین‌سان بسیار مورد تشویق امام صادق علیه السلام قرار گرفت.^۵
هشام بن حکم در تبیین دیدگاه امامت تا آنجا پیش رفت که هارون الرشید بر او غضب کرد. به همین دلیل او دائماً فراری بود. حتی برخی یکی از دلایل زندانی شدن امام کاظم علیه السلام را دیدگاه‌های هشام بن حکم می‌دانند.^۶
امام رضا علیه السلام درباره او فرمود:

خداوند دهشام را رحمت کند که مرد خیرخواه و ناصحی بود، اما از طرف یاران خود به جهت حسدنی که بر او داشتند آزر فراوان دید.^۷

یکی دیگر از اصحاب امام صادق علیه السلام مفضل بن عمر جعفی کوفی است که فرقه مفضلیه

۱. همان، ص ۲۲۲.

۲. واقعه (۵۶): ۱۰ و ۱۱.

۳. خوبی، معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الزوارة، ج ۷، ص ۲۲۵.

۴. بنگرید به: همان، ج ۱۹، ص ۲۷۶ - ۲۱۷.

۵. همان، ص ۲۸۲.

۶. همان، ص ۲۷۸.

۷. همان، ص ۲۹۴.

را بدو نسبت داده‌اند. برخی از عقاید تحرافی نیز منسوب به اوست و به همین رو رجال‌شناسان شیعه در مورد او اختلاف نظر دارند. آیت‌الله خوئی می‌گوید:

ممکن است بعضی از این روایات همانند دروایات وارد شده در بگویی از زراره باشد که برای حفظ جان آنها بوده است. با توجه به اینکه همه روایات در ذم او از امام صادق علیه السلام نقل شده؛ در حالی که روایات منح از امام کلطم و امام رضا علیهما السلام وارد شده است، و در منح او همین بس که امام صادق علیه السلام او را برای نگارش کتاب توحید معروف به توحید مفضل برگزیده است.^۱

بنابراین یکی از راهکارهای دشمنان شیعه برای جلوگیری از گسترش تشیع، تهمت‌های ناروا به اصحاب ائمه علیهم السلام و دادن نسبت‌های دروغ به ایشان است تا چهره آنها و ائمه علیهم السلام را مخدوش نمایند.

تأثیر غلات در خدشه‌دار کردن قیام‌های شیعی

در برخی از قیام‌های شیعی غلات حضور نداشته‌اند اما دشمنان شیعه عقاید تحرافی، خرافی و غلوآمیز را به رهبران قیام نسبت می‌دهند و به نام آنها فرقه‌سازی می‌کردند تا حکومت خود و مقابله با شیعیان را توجیه کنند. نمونه بارز این مسئله - چنان که پیش‌تر گفته آمد - قیام مختار ثقفی است که دشمنان او برخی از فرقه‌های ساختگی غلات مانند مختاریه و کیسلویه را مرتبط با مختار دانسته و او را منشأ دیگر فرق شیعه نیز شمرده‌اند.^۲

در برخی موارد، غلات خود را به رهبران قیام‌ها منتسب و چهره آنان را تخریب می‌کردند؛ مانند انتساب غلات به ابوهاشم عبدالله بن محمد بن حنفیه. گاه نیز در برخی قیام‌ها ورود می‌یافتند و با انجام کارهای ناشایست سبب بدنامی نهضت و قیام می‌شدند. برخی از غلات

۱. خوئی، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، ج ۱۸، ص ۳۰۳.

۲. بنگرید به: بغدادی، الفرق بین الفرق، ص ۵۲ - ۴۳؛ الامین، فرهنگنامه فرقه‌های اسلامی، ص ۲۳۰ و ۲۳۱.

نیز طرفداری از ثقلالیون را مدعی می‌شاند و مخالفان خود را ترور می‌کردند.^۱
 بدین ترتیب از یک سو غلات سبب تخریب چهره قیام‌های شیعی می‌شاند و از دیگر سو
 حاکمان جور که مخالف شیعه بودند، هر قیامی را با نیتساب عقاید غلوآمیز می‌کوفتند و از
 گسترش عقاید شیعه جلوگیری و بدین‌سان حکومت خود را توجیه می‌کردند.

غلات و جعل حدیث

یکی از نقش‌های غلات و آثار مخرب آنان در تاریخ شیعه، جریان جعل حدیث است. در کتب
 رجال شیعه نام بسیاری از غلات به‌عنوان وضاع (بسیار حدیث‌سازنده) و کذاب (دروغگو) آمده
 است. آنها احادیثی را جعل می‌کردند و به ائمه علیهم‌السلام نسبت می‌دادند و خود در سلسله سند
 حدیث قرار می‌گرفتند.

گاه شیوه حدیث‌سازی ایشان به شیوه دسّ بود. «دسّ» در لغت به‌معنای داخل کردن
 چیزی در درون چیز دیگر به صورت مخفیانه است. به همین دلیل به مکرها و توطئه‌های
 مخفیانه «دسیسه» گفته می‌شود.^۲ حدیث‌سازی به شیوه «دسّ» این‌گونه بود که برخی غلات
 که غلویشان آشکار نبود، به دستور رهبران خود - مانند مغیره بن سعید و ابوالخطاب - کتب
 روایی اصحاب ائمه علیهم‌السلام را به‌بهبه نسخه‌برداری می‌گرفتند و به رهبران خود می‌دادند و آنان
 نیز روایاتی را از نزد خود با سلسله اسنادی شبیه اسناد کتب اصلی، در کتب استنساخ‌شده
 اضافه می‌کردند سپس آنان کتب اصلی را به صاحبان آنها داده، کتب استنساخی را که حاوی
 احادیث جعلی بود، بین شیعیان نشر می‌دادند و شیعیان نیز می‌پنداشتند احادیث همه از
 ائمه علیهم‌السلام است. در این مورد روایاتی از ائمه علیهم‌السلام رسیده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.
 هشام بن حکم از قول امام صادق علیه‌السلام چنین نقل می‌کند:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱. بنگرید به: صفری، *غالیان*، ص ۳۱۵ و ۳۱۶.
 ۲. زبیدی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، ج ۶، ص ۱۵۱؛ ابن‌منظور، *لسان
 العرب*، ج ۴، ص ۳۴۴ و ۳۴۵.

مغیره بن سعید دبعمه دبر پوم [= امام باقر علیه السلام] دروغ می بست. یلران او که در میان یلران پوم مخفی بودند کتابهای اصحاب پوم را می گرفتند و به مغیره می دادند و او در آن کتب به صورت مخفیانه کفر و زندقه را درج می نمود و آنها را به پوم نسبت می داد. سپس آن کتب را به اصحابش می داد تا در بین شیعیان پخش و منتشر کنند پس آنچه از غلو در کتابهای پوم می یابید مطالبی است که مغیره در کتب پوم به صورت مخفیانه جای داده است.^۱

یونس بن عبدالرحمن که از اصحاب امام رضا علیه السلام است، در مورد علت رد برخی از احادیث مورد پرسش قرار می گیرد و می گوید:

من مسافرتی به عراق داشتم که در آنجا تعدادی از یلران امام باقر و تعداد بیشتری از اصحاب امام صادق علیه السلام را ملاقات کردم و احادیثی از آنها شنیدم و کتب آنها را گرفتم. سپس آن احادیث و کتب را نزد ابوالحسن الرضا علیه السلام آوردم و بر آن حضرت عرضه کردم. اما امام رضا علیه السلام بسیاری از آن احادیث را رد کرد و فرمود: «این احادیث از امام صادق علیه السلام صادر نشده است.» سپس فرمود: «همانا ابوالخطاب بر ابوعبده علیه السلام [= امام صادق علیه السلام] دروغ می بست. خدا ابوالخطاب و یلران او را لعنت کند که تا امروز این احادیث را در کتب یلران ابوعبده علیه السلام به صورت مخفیانه جای می دهند ...»^۲

غلات برای احادیث سند معتبر می ساختند و بدین سان تشخیص درستی و نادرستی آن را دشوار می نمودند؛ چنان که یونس بن عبدالرحمن نیز با راهنمایی امام رضا علیه السلام به جعلی بودن این احادیث پی برد. برخی از اصحاب نیز از جریان جعل حدیث نزد ائمه علیهم السلام شکایت می نمودند از آن جمله، شکایتی است که ابوهریره عجللی در قالب شعر خطاب به امام باقر علیه السلام مطرح می کند: «کسانی پیش ما می آیند و احادیثی را به شما نسبت می دهند که سینه ما از آن تنگ می شود؛ احادیثی که مغیره آنها را از شما روایت می کند، در حالی که بدترین چیزها

۱. طوسی، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ص ۲۲۵، ش ۴۰۲.

۲. همان، ص ۲۲۴، ش ۴۰۱.

احادیث دروغ و ساختگی است.^۱

برخی از اصحاب امام عسکری نیز نزد ایشان از جاعلان حدیث شکایت کرده‌اند که آنها احادیثی را به شما و پدرتتان نسبت می‌دهند که قلوب از مطالب آن به درد می‌آید و برای ما رد آنها جایز نیست؛ زیرا از پدرتتان نقل می‌کنند و از سووی به طویل محتوای آن نیز نمی‌توانیم آنها را بپذیریم. امام علیه السلام برای آنان نوشت که اینها با دین ما ارتباط ندارد؛ از آنها دوری گزینید.^۲

امام رضا علیه السلام نیز در حدیثی ابوخطاب را لعنت کرده، او را جاعل احادیث در کتب اصحاب امام صادق علیه السلام معرفی نمود و سپس فرمود:

... پس آنچه را که از قول ما نقل می‌شود و مخالف قرآن است، نپذیرید؛ زیرا ما هرگاه سخن بگوییم، موافق قرآن و سنت می‌گوییم. سخنان ما یا از خلوند و یا از پیلیمبر اوست و ما هیچ‌گاه در احادیث خود نمی‌گوییم فلاحی چنین گفت تا سبب تناقض در سخنان ما شود. کلام آخرین نفر از ما ائمه، همانند کلام اولین فرد ماست و کلام اولین فرد ما تصدیق‌کننده کلام آخرین نفر ماست. اگر کسی برای شما حدیثی خلاف آنچه گفتیم آورد، آن را رد کنید و بگویید: تو خود نسبت به آنچه آورده‌ای داناتر هستی. این را بپذیرید که هر گفتاری از ما دارای حقیقتی است و همه گفتارهای ما نوری دارند پس آنچه حقیقت و نور ندارد، گفتار شیطان است.^۳

با توجه به ملاک‌های تعیین‌شده از سوی اهل بیت علیهم السلام برای تشخیص درستی و نادرستی احادیث، شیعیان برای شناسایی غلات و جاعلان حدیث به نگارش کتب رجالی پرداختند تا راویان راستگو و مورد وثوق از راویان دروغگو و واضح حدیث متمایز گردند. اما در مورد محتوای احادیث که مخفیانه مورد تعرض جاعلان قرار گرفته بود و سند آنها

۱. بلاذری، *انساب الاشراف*، ج ۲، ص ۷۷؛ ابن قتیبه المینوری، *عیون الاخبار*، ج ۲، ص

۵۱

۲. طوسی، *اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*، ص ۵۱۷، ش ۹۹۴ و ۹۹۵.

۳. همان، ص ۲۲۵، ش ۴۰۱.

ظاهراً معتبر بود، شیعیان با توجه به همان ملاک‌ها به نقد و بررسی احادیث پرداختند. در نتیجه بسیاری از احادیث جعل شده مورد پالایش قرار گرفت. با این وصف، هنوز احادیث جعلی از همه کتب حدیثی شیعه زوده نشده و برخی از احادیث مخالف صریح قرآن است؛ مانند روایتی که در کافی از تحریف قرآن سخن می‌گوید: قرآن در ابتدا هفده هزار آیه بود.^۱ این احادیث، دستاویز دشمنان و مخالفان شیعه قرار گرفت؛ چنان‌که وهابیت با استناد به همین احادیث جعلی در کتب شیعه، تهمت تحریف قرآن را به شیعه نسبت می‌دهند و بدین‌گونه در صدد دور ساختن مردم از مکتب تشیع‌اند.

راهکارهای اهل بیت علیهم‌السلام برای مقابله با حدیث‌سازی غلات

در برابر توطئه حدیث‌سازی غلات، ائمه علیهم‌السلام معیارهایی را برای شیعیان تعیین نمودند تا براساس آن به پالایش این احادیث بپردازند. برخی از این معیارها عبارت است از:

۱. موافقت با قرآن و مخالف نبودن با آن؛

۲. موافقت با سنت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مخالف نبودن با آن؛

۳. از احادیث ثابت شده ائمه، شاهد و تأیید داشتن.

در اینجا به نمونه‌ای از این احادیث اشاره می‌کنیم که ملاک تشخیص احادیث صحیح و جعلی را بیان می‌کند. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

هیچ حدیثی را از قول ما قبول نکنید مگر آنکه موافق قرآن و سنت باشد یا با آن حدیث، شله‌دی از احادیث سابق ما بیاید همانا مغیره بن سعید - که لعنت خدا بر او باد - احادیثی را در کتب اصحاب پدوم جعل کرد که پدوم آن را نگفته بود. پس، از خدا پروا کنید و از قول ما حدیثی را که مخالف با سخن پرور دگرمان و سنت پیامبرمان صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد نپذیرید. زیرا ما هر حدیثی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

۱. کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۶۳۴.

بگوئیم، می‌گوئیم خ لاون دعزوجل چنین فرمود و رسول خدا ﷺ چنین فرمود.^۱

غلات و روایات تحریف قرآن

از جمله عقاید غلات اعتقاد به تحریف قرآن است. روایاتی که بر نقصان در کلمات قرآن و تحریف آن دلالت دارد، راویانش از افراد ضعیف و غلوکننده‌اند. علامه عسکری می‌گوید:

با بررسی این روایات به این نتیجه رسیدیم که در سند این روایات، غلات دروغگو و افراد ضعیف الحدیث و مجهول وجود دارند.^۲

آیاتی نیز گواه بر مصونیت قرآن از تحریف است؛ همچون آیه «إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ»^۳ هم‌ا ما خود قرآن را فرورستادیم و خود آن را حفظ می‌کنیم.» احادیث رسیده از اهل بیت مانند حدیث ثقلین نیز بر ناممکن بودن تحریف قرآن کریم دلالت می‌کند.^۴

علمای شیعه نیز بر مصونیت قرآن از تحریف اتفاق نظر دارند مگر اخباری‌ئی مانند سید نعمت‌الله جزایری (۱۱۱۲ - ۱۰۵۰ ق) و محدث نوری (۱۳۲۰ - ۱۲۵۴ ق) که با توجه به روایات تحریف، به موضوع تحریف قرآن پرداخته‌اند. محدث نوری این روایات را از کتاب یکی از غلات به نام سیاری نقل کرده است. احمد بن محمد سیاری معروف به ابو عبدالله سیاری معاصر امام حسن عسکری است.^۵ احمد بن محمد سیاری کتابی به نام «القرائات» دارد که به «التحریف و التنزیل» نیز معروف است و اخیراً برخی از مستشرقان آن را چاپ کرده‌اند. علامه عسکری می‌گوید: «اکثر روایاتی که شیخ نوری نقل کرده، از کتاب *قراءات* سیاری است. او به ائمه اهل بیت علیهم السلام افترا زده و روایات را دسّ و جعل می‌نمود و اسنادی برای

۱. طوسی، *اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*، ص ۲۲۴، ش ۴۰۱.
۲. عسکری، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، ج ۳، ص ۸۴۷.
۳. حجر (۱۵): ۹.
۴. بنگرید به: خوبی، *البيان في تفسير القرآن*، ص ۲۲۰ - ۲۰۷.
۵. طوسی، *اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*، ص ۶۰۶، ش ۱۱۲۸.

لها می‌ساخت و به اهل بیت علیهم‌السلام نسبت می‌داد. محدثین، روایات او را نقل و وارد کتب احادیث مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نمودند و محدثینی مثل شیخ نوری در اثبات تحریف قرآن به این روایات استشهاد کرده‌اند^۱ با بررسی اسناد روایات تحریف، نقش غلیان در جعل این روایات آشکار می‌گردد.^۲

علامه جعفر مرتضی عاملی درباره روایات تحریف می‌گوید:

بخش عظیمی از این‌گونه روایات، از غلات، دروغ‌گویان و جعلان حاکم است و این شگفت نیست؛ زیرا که دروغ‌گویان بر ائمه علیهم‌السلام آن‌قدر زیاده بودند که خود امام صادق علیه‌السلام در این مورد می‌فرمود: در مقابل هر یک از ما ائمه، یک دروغ‌گوست که بر ما دروغ می‌بندد.^۳

یکی از انگیزه‌های غلات در ادعای تحریف قرآن، غلبه بر مخالفان در مباحث کلامی برای اثبات امامت علی علیه‌السلام بوده است. از همین رو، آنان در برابر طرح این شبهه از سوی اهل سنت که به چه دلیل نام امام علی علیه‌السلام در قرآن نیامده، بحث تحریف قرآن و حذف نام حضرت و اهل بیت از قرآن را مطرح و روایاتی را در این باره جعل کردند. حال به نمونه‌های از روایات جعل شده در مورد تحریف قرآن اشاره می‌کنیم. احمد بن محمد ابی‌نصر روایت می‌کند:

ابوالحسن موسی بن جعفر علیه‌السلام به من مصحفی داد و فرمود: در آن نگاه نکن. اما من آن را باز کردم و سوره «لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا» را در آن خواندم [و] در لابه‌لای آن هفتاد تن از افراد قریش را با نام و نشان یافتیم. آنگاه

۱. بنگرید به: *عسکری، القرآن الکریم و روایات المدرستین*، ج ۳، ص ۲۵۳ - ۲۴۸.

۲. برای آگاهی بیشتر درباره راویان غالی روایات تحریف بنگرید به: احمدی، «غلیان و نیشه تحریف قرآن»، *علوم حدیث*، سال چهاردهم، شماره دوم (شماره پیاپی ۵۲)، ص ۲۰۹ - ۱۹۷.

۳. عاملی، *حقایق هامة حول القرآن الکریم*، ص ۳۰.

امام علیه السلام پیام فرستاد که مصحف را بازگردانم.^۱

برخی گفته‌اند در نقد روایت همین بس که اگر قرار باشد امام علیه السلام به کسی مصحفی دهد و سپس به او بگوید در آن نگاه مکن، این کار چه فایده‌ای دارد؟ از سویی اگر واقعاً چنین مصحفی وجود داشته، آن مصحف می‌باید از موارد امامت باشد؛ مصحفی که امام آن را در اختیار کسی نمی‌گذارد که اهل خویشتن‌داری نباشد.^۲

برخی محققان گفته‌اند در کتاب کافی احادیثی وجود دارد که بیدگر تحریف قرآن است و روایان این احادیث نیز همگی از غلات و منحرفان‌اند. وجود همین روایات سبب شده است تا برخی گمان کنند شیعیان به قرآنی غیر از قرآن موجود معتقدند؛ از جمله محمد ابوزهره.^۳ برخی روایات نیز به تطبیق برخی آیات با امامت امامان و ولایت معصومین علیهم السلام پرداخته‌اند که روایان آن جملگی از غلات‌اند و به همین رو نمی‌توان برای آنها اعتباری قائل شد.^۴

تأثیر غلات در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی

در کتب رجالی، بسیاری از روایان به غلو متهم شده‌اند؛ درحالی‌که با مراجعه به شرح حال آنها درمی‌یابیم که اینان از غلات نیستند. وحید بهبهانی می‌گوید:

بسیاری از قها خصوصاً قمی‌ها و ابن‌غضائری، بحسب ظاهر - براساس اجتهاد و نظریه خودشان - منزلت خاصی از نظر علو و عظمت، و مرتبه مشخصی از عصمت و کمال برای ائمه قائل بودند بطوری‌که تجاوز از آن حد را جایز نمی‌دانستند و اعتقاد به بالاتر از آن را غلو می‌پنداشتند حتی نفی سهو، اعتقاد به علم غیب مطلق، تفویض و یا موارد اختلافی آن، مبالغه در معجزات و نقل امور عجیب و خارق‌العاده از آنها، اغراق در شأن و بزرگداشت ایشان، منزه

۱. کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۶۳۱

۲. معارف، *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه*، ص ۳۰۳ و ۳۰۴.

۳. بنگرید به: حسنی، *دراسات فی الحدیث و المحدثین*، ص ۳۵۲ - ۳۴۸.

۴. همان، ص ۳۱۷ - ۲۸۵.

دانستن آنها از عیوب و نقایص، اعتقاد داشتن به قوت زیاد آنها و اعتقاد به علم آنها به اسرار آسمانها و زمین را غلو و موجب اتهام به غلو می دانستند^۱

قمی‌ها نیز مانند شیخ صدوق و استادش ابن‌ولید، سهو پیامبر را جایز می‌دانستند؛ چنان‌که ابن‌ولید می‌گفت:

اولین درجه غلو آن است که شخص، معتقد دبه رخ ندادن سهو برای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد^۲

اهل قم چه بسا یک راوی را به مجرد شک در او، از قم تبعید می‌کردند. از این رو نمی‌توان بر جرح و قدح آنان اعتماد کرد.^۳ بنابراین برای نسبت دادن غلو به راوی، قاعده مشخصی وجود نداشته و اگر راوی با آنها هم عقیده نبود، به او نسبت غلو می‌دادند.

نتیجه اختلاف در معنای غلو، پدید آمدن اجتهاد در علم رجال شد. از همین روی قمی‌ها در بررسی راوی، اگر از عقیده آنها درباره ائمه فراتر رفته بود، او را به غلو متهم نموده و ردش می‌کردند. به همین دلیل برخی گفته‌اند:

بر هر دانشمندی محقق لازم است تا در این‌گونه نسبت‌ها که به بعضی از محدثین بزرگ شیعه داده شده است، تحقیق کند چرا که در آن زمان ضابطه مشخصی در تشخیص غلو وجود نداشته است.^۴

غفاری در توضیح این مطلب می‌گوید:

غالی نزد قها کسانی بوده‌اند که اعتقاد بلطنیه داشتند و مقصود از بلطنیه اهل اباحی‌گری می‌باشند نه کسانی که غلو در فضایل داشته‌اند لذا معنای غلو و غالی در اصطلاح قها فهمیده نشده است؛ زیرا در زیارت جمعه کبیره که در

۱. مامقذی، تلخیص مقیاس الهدایة، ص ۱۵۲.

۲. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۶۰.

۳. مامقذی، تلخیص مقیاس الهدایة، ص ۱۵۳.

۴. سبحانی، کلیات علم رجال، ص ۳۶۱.

آن جمیع مقدمات ائمه علیهم السلام و صفات و کمالات ایشان آمده است، کسی جز قمی‌ها آن را روایت نکرده است و شیخ آن را از صدوق روایت کرده و صدوق آنچه را که به آن اعتقاد کلمل داشته، در کتاب فقیه روایت کرده است؛ زیرا در اول کتابش گفته آنچه را که حکم به صحت آن کرده‌ام و حجت بین من و پرور دگلم است، در این کتاب آورده‌ام.^۱

بنابراین رجالیون شیعه درباره افراد متهم به غلو و رد و یا قبول روایات آنها اختلاف دارند. این اختلاف در پذیرش روایات عقیدتی و فقهی و روشن نشدن وضعیت آنها اثرگذار است و موجب می‌گردد که آثار منفی و تخریبی غلات در علم رجال نیز پدیدار گردد.

از سوی دیگر، افزون بر سردرگمی در مورد پذیرش یا رد روایات غلات، بحث‌های دیگری نیز در علم رجال مطرح می‌شود: اعتبار روایات در پیش از غلو یا بعد از آن چگونه است؟ آیا روایات در حال غلو یا پس از توبه غالی اعتبار دارد؟ آیا غلو و وثاقت با هم منافات دارد و اگر غلات از یک راوی روایت کنند، روایت او معتبر است؟

همه این مسائل در خصوص پذیرش یا نپذیرفتن روایتی، منشأ اختلاف بین رجالیون می‌گردد. این اختلاف در علم رجال در علوم دیگر شیعی مانند عقاید و فقه نیز تأثیر می‌نهد و سبب می‌شود که در حوزه‌های دیگر علوم اسلامی نیز به طویل وجود افراد متهم به غلو در سلسله اسناد، وضعیت روایات روشن نباشد. از این رو، اگر بر رد یا تأیید روایات دلیل قاطعی وجود نداشته باشد، این امر موجب سردرگمی در برخی از مسائل این علوم می‌گردد.

از سوی دیگر، برخی از غلات در زمینه احکام اسلامی نیز نظریات فقهی را مطرح می‌کردند که از سوی ائمه علیهم السلام با آن برخورد می‌شده است. برای مثال، به امام صادق علیه السلام گفته شد که اهل عراق نماز مغرب را تا پدیدار شدن ستارگان تأخیر می‌دانند. حضرت فرمود: «این عمل دشمن خدا ابوخطاب است».^۲

غلات به سبب ترویج اباحه‌گری نیز بسیاری از محرمات را حلال می‌دانستند، اما از نجاکه

۱. مامقنی، تلخیص مقیاس الهدایة، باورقی ص ۱۵۳ و ۱۵۴.

۲. صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۰، ح ۶۶۱.

فقه‌های شیعه نسبت به فقه اسلامی خود دقت بسیاری داشته‌اند، در این خصوص جای نگرانی کمتری است.

در حوزه علم کلام و عقاید نیز غلات به عقایدی مانند تناسخ، حلول، تشبیه و الوهیت ائمه معتمد بودند که مورد تکفیر ائمه علیهم‌السلام قرار گرفتند. در مورد باورهای مشترک شیعه و غلات مانند وصیت، رجعت و مهدویت، غلات به تحریف این عقاید نیز پرداختند. بنابراین شیعه در اصول عقاید از غلات تأثیر نپذیرفته و در کتب شیعه، عقاید اصیل شیعه مطرح شده است، اما برخی روایات در حوزه عقاید که افراد متهم به غلو در سلسله اسناد آن قرار دارند (مانند احادیث کتاب الحجّه از اصول کافی)، می‌باید به بررسی آنها پرداخت تا وضعیت آنها دقیقاً مشخص شود.

نتیجه

فرقه‌های غلات که اغلب به شیعه منتسب شده‌اند، دارای عقاید لحرافی و غلوآمیز نسبت به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و به‌ویژه ائمه بودند که از سوی اهل بیت علیهم‌السلام طرد شده و مورد نفرین قرار گرفتند. برخی از این فرقه‌ها ساخته و پرداخته دشمنان شیعه بوده است تا شیعه را متهم کنند و از گسترش تشیع جلوگیری نمایند. خدشه‌دار کردن شخصیت ائمه علیهم‌السلام و اصحاب ایشان (با منتسب کردن خود به آنان)، جعل روایات و همچنین انتساب فرقه‌های منحرف به اصحاب ائمه علیهم‌السلام، از اقدامات غلات بشمار می‌رود.

غلات در جریان جعل احادیث و طرح همیشه تحریف قرآن نیز نقش مهمی داشتند و در برخی علوم اسلامی مانند رجال نیز تأثیرات سوئی نهادند. از این رو، ائمه علیهم‌السلام با تکفیر غلات و نکار عقاید آنان، شیعیان را به پرهیز از ارتباط با آنها سفارش می‌کردند. در مجموع عملکرد غلات همواره دستاویز دشمنان شیعه بوده است تا چهره شیعه را تخریب کنند و ملج از گسترش مکتب تشیع شوند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. ابن قتیبه الدینوری، ابومحمد عبدالله بن مسلم، *عیون الاخبار*، قاهره، مؤسسه المصریة العامة، ۱۳۸۳ ق.
۴. ابن منظور، *لسان العرب*، تعلیق علی شیري، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چ اول، ۱۴۰۸ ق.
۵. ابوریّه، محمود، *اضواء علی السنة المحمدیة*، بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، بی تا.
۶. احمدی، محمدحسن، «غالیان و اندیشه تحریف قرآن»، *مجله علوم حدیث*، سال چهاردهم، تابستان ۱۳۸۸، شماره دوم (شماره پیاپی پنجاه و دو).
۷. اشعری، سعد بن عبدالله، *المقالات و الفرق*، تصحیح محمد جواد مشکور، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۹۶۳ م.
۸. الامین، شریف یحیی، *فرهنگنامه فرقه های اسلامی*، ترجمه محمدرضا موحدی، تهران، باز، ۱۳۷۸.
۹. انیس، ابراهیم، *المعجم الوسیط*، تهران، ناصر خسرو، بی تا.
۱۰. بغدادی اسفرائینی، عبدالقاهر، *الفرق بین الفرق*، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، المكتبة العصریة، بی جا، ۱۴۱۱ ق / ۱۹۹۰ م.
۱۱. بلاذری، *انساب الاشراف*، تحقیق محمد باقر المحمودی، بیروت، دار التعارف المطبوعات، ۱۳۹۸ ق / ۱۹۷۷ م.
۱۲. بهبودی، محمد باقر، *معرفة الحدیث*، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.

۱۳. حسنی، هاشم معروف، *دراسات في الحديث و المحدثين*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۹۷۸ م / ۱۳۹۸ ق.
۱۴. حسنی، هاشم معروف، *دراسات في الكافي للكليني و الصحيح للبخاري*، بیروت، مطبعة صور الحديثة، ۱۳۸۲ ق.
۱۵. خویی، سید ابوالقاسم، *البيان في تفسير القرآن*، بیروت، دارالزهراء، ۱۴۰۸ ق.
۱۶. خویی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة*، قم، مرکز نشر آثار الشیعة، ۱۴۰۸ ق.
۱۷. دهخدا، علی اکبر، *لغتنامه*، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، چ دوم، ۱۳۷۷.
۱۸. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، *المفردات في غريب القرآن*، تحقیق محمد سید گیلانی، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۷۳ ق.
۱۹. رضوی اردکانی، سید ابوفاضل، *قیام مختار ابن ابی عبید ثقفی*، تهران، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۷.
۲۰. زبیدی، محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارمکتبة الحیاة، چاپ دوم، ۱۳۰۶ ق.
۲۱. سبحانی، جعفر، *کلیات في علم الرجال*، ترجمه مسلم قلی پور گیلانی و عدلی اکبر روحی، قم، انتشارات قم، ۱۳۸۰.
۲۲. شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، *الملل و النحل*، تحقیق احمد فهمی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ هفتم، ۲۰۰۷ م.
۲۳. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *الامالی*، قم، جامعه مدرسین، بی تا.

۲۴. صدوق، محمد بن علی بن بابویه، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین، چ دوم، ۱۴۰۴ ق.
۲۵. صفری فروشانی، نعمت‌الله، «غلو و غالیان در عصر حضور در آینه منابع»، *طلوع*، قم، مدرسه امام خمینی علیه السلام وابسته به مرکز جهانی علوم اسلامی (جامعه المصطفی صلی الله علیه و آله)، سال دوم، شماره ۶، تابستان ۱۳۸۲.
۲۶. صفری فروشانی، نعمت‌الله، *غالیان، کاوشی در جریان‌ها و برآیندها*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، *اختیار معرفة الرجال*، معروف به *رجال کشی*، تصحیح حسن مصطفوی، مشهد، دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸.
۲۸. عاملی، سید جعفر مرتضی، *حقایق هامة حول القرآن الکریم*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی‌تا.
۲۹. عسکری، سید مرتضی، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، تهران، دانشکده اصول دین، ۱۳۷۸.
۳۰. عسکری، سید مرتضی، *عبدالله بن سبأ و اساطیر آخری*، تهران، المطبعة الاسلامیة، ۱۳۹۲ ق.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دارالکتب اسلامیة، ۱۳۶۳.
۳۲. مامقانی، عبدالله، *تلخیص مقباس الهدایة*، تلخیص و تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، نشر صدوق، ۱۳۶۹.
۳۳. مجلسی، *بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، تهران، اسلامیة، بی‌تا.
۳۴. محمدی ری‌شهری، محمد، *میران الحکمة*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۱.

۳۵. مشکور، محمد جواد، *تاریخ شیعه و فرقه‌های اسلام تا قرن چهارم هجری*، تهران، اشراقی، ۱۳۶۲.

۳۶. معارف، مجید، *پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه*، تهران، مؤسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۴.

۳۷. نوبختی، حسن بن موسی، *فِرَق الشَّیْعَة*، ترجمه محمد جواد مشکور، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۱.

۳۸. ولوی، علی محمد، *تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی*، تهران، بعثت، ۱۳۶۷.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتونستان د علومو او انساني مطالعاتو فریښی
پرتال جامع علوم انسانی